برای ایجاد حزب طبقه کارگر بر روی زمین انقلاب

پیکار خلق

۴۴

یکشنبه ۱۵ تیر ۵۹

گروه انقلابیون مارکسیست لنینیست

چرا آموزش و پرورش کردستان منحل شد؟

رژیم جمهوری اسلامی کوشش فراوانی بکار میبرد مبنی بر اینکه همهٔ قدرت خود را بر کردستان قهرمان مسلط گرداند. در پی تحقق این هدف بود که ضمن کشتار سبعانه و قتل عام خلق کرد، اعدام انقلابیون و پیشمرگان کرد، سرکوب نهاد های انقلابی چون بنکه ها و غیره، به تصفیهٔ انقلابیون در ادارات از جمله در سطح آموزش و پرورش دست یازید. ابتدا معلمان مبارز و مترقی را از کار برکنار ساخت. اما چون دید که افکار انقلابی بازهم توسط معلمان مبارز در درون دانش‌آموزان و نوجوانان رسوخ کرده و مقاومت را در مدارس سازمان میدهد، چاره را در این یافت که بطور کلی ادارهٔ آموزش و پرورش استان کردستان را منحل سازد. براستی چرا رژیم از معلمان مترقی وحشت دارد؟ زیرا فرزندانی را میپروراند که نمونه اش را در یکی از برنامه های تلویزیونی مشاهده کردیم. کودکی که خبرنگار تلویزیون جمهوری اسلامی را مستأصل کرده و ضمن محکوم نمودن رژیم جمهوری اسلامی در براه انداختن جنگ تحمیلی، به دفاع از مبارزهٔ خلق کرد برخاست. از این نمونه ها بسیار میتوان در میان کودکان کرد یافت. اینان دست پرورده همان معلمانی هستند که در کلاسها درس مقاومت و مبارزه میدادند. همان معلمانی که امروز مورد خشم رژیم هستند. معلمانی که مدارس را با کمک همین فرزندان انقلابی به سنگر مبارزه و مقاومت تبدیل کرده بودند. چه آموزش و پرورش از دیدگاه دلاوران کرد جدا از مبارزه علیه ارتجاع و امپریالیسم نبوده و باین جهت فرزندان کرد در نیمکتهای کلاس بجای تسلیم درس مقاومت میگرفتند. اینک این سنگر مقاومت مورد تهاجم ارتجاع قرار گرفته است تا شاید برغم رژیم کودکان انقلابی نه آموزش ببینند و نه پرورش انقلابی بیابند. انحلال آموزش و پرورش وحشت رژیم را حتی از این کودکان انقلابی که در جنبش مقاومت خلق کرد نقش بسزائی داشته اند، عیان میسازد.

کودکانی که همکلاسیهای شهید خود را فراموش نکرده و رهروان پدران و مادران مبارز خود بوده و حتی سلاح برکف گرفته و دوشادوش دیگر افراد خانوادهٔ خود به

بقیه در صفحهٔ ۳

خمینی، بنی صدر و حزب جمهوری اسلامی

پس از آنکه بنی صدر نوار صحبتهای آیت را منتشر و پخش نمود، جو سیاسی حاکم تا حدودی بنفع بنی صدر تغییر نمود. حزب جمهوری اسلامی برای آنکه دچار شکست عظیم نگردد و باصطلاح در صحنهٔ سیاسی زنده بماند، قصد داشت آیت را قربانی نماید. در این تصورات کاسبکارانه بود که ناگهان آیت الله خمینی باوارد شدن در صحنه های مختلف سخنرانیها، بداد این حزب رسید. حزب جمهوری اسلامی مقدمات سخنرانی ها را فراهم آورد. جو سیاسی که بنفع بنی صدر در جریان بود، با این سخن رانیها بنفع حزب جمهوری اسلامی تغییر یافت. خمینی در سخنرانی اش در ٤ تیر در جمع اعضاء شورای اسلامی کارگران ایران و گروهی از پرسنل بهداری ارتش بار دیگر نیروهای انقلابی و ضد امپریالیست را مورد حمله قرار داد. در این حمله خمینی بیش از همه مجاهدین خلق را مد نظر داشت تا از آن طریق بنی صدر را

بقیه در صفحهٔ ۲

نریمی سا

پزشک مبارزی که در راه خلق جان باخت

بار دیگر پنجه های خونین حاکمان جدید یک دکتر ضد امپریالیست و حامی زحمتکشان را بخون کشید. خبر اعدام دکتر نریمی سا در سحرگاه پنجشنبه ششم تیر ماه قلب زحمتکشان و حامیان آنان را بسختی فشرد. دادگاه "انقلاب" اسلامی اهواز این مبارز ضد امپریالیست را بجرم شرکت در درگیریهای دانشگاه اهواز، دستگیر و سپس بدون توجه به اعتراضات عظیمی که علیه دستگیری وی برپا شده بود اعدام نمود. بشهادت رسانیدن این پزشک ۳٦ ساله مبارز بار دیگر چهرهٔ قدرتمندان کنونی را بخوبی نشان میدهد همهٔ مردم سوسنگرد میدانند که نریمی سا مبارزی بود که با رژیم شاه بارها دست و پنجه نرم کرده و در آگاه کردن خلق برای

بقیه در صفحهٔ ٤

طباطبائی برای امپریالیسم آلمان دلالی می کند

اخیراً صادق طباطبائی سرپرست نخست وزیری برای تجدید قراردادهای اقتصادی با امپریالیسم آلمان به آن کشور سفر نموده است. وی قبل از سفرش، به خبرنگار روزنامهٔ "انقلاب اسلامی" گفت "رژیم گذشته یکسری قرارداد با کارخانه‌ها و . . . کشور آلمان منعقد کرده بود که پس از انقلاب این قراردادها از نظر ما لغو شده محسوب میشد و اکنون در

بقیه در صفحهٔ ٤

محاکمهٔ تقی شهرام محکوم است

دادستانی "انقلاب" رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی با صدور اطلاعیه ای محاکمهٔ تقی شهرام را در عصر روز دوشنبه ١٦/٤/٥٩ در دادگاه ویژهٔ

بقیه در صفحهٔ ۳

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهٔ کارگر
www.peykar.org

خمینی، ...

کوبانده و حزب جمهوری اسلامی را تقویت نماید.

خوانندهٔ عزیز فراموش نکرده است که بنی صدر یکبار شعار تشکیل جبههٔ اسلامی را در ایران طرح نمود و در این جبهه نیز روشنفکران التقاطی را (منظورش سازمان مجاهدین خلق بود) گنجانده بود. خمینی در این سخنرانی میگوید "در هر موقعی که یك اساسی میخواهد روی کار بیاید، این جمعیتهای مختلفی که الان در ایران هستند در همین موقع یك غائله ای درست میکنند. از اولی که بنا بود جمهوری اسلامی را شماها و ملت رأی به آن بدهید، آنوقت یك غائله هائی در اطراف درست کردند. این قدم که برداشته شد، در هرمرحله ای که شما یك قدم پیش رفتید، آنها هم در همانجا باز غائله درست کردند. درهمان وقتی که مجلس شورای اسلامی تأسیس شد و مشغول بکار شدند، باز غائله درست کردند. غائله درست میکنند و خودشان غائله درست میکنند و فریاد میزنند. خودشان دیگران را کتك میزنند، باز خودشان فریاد میکنند. .... اینهائی که در کنار جمهوری اسلامی هستند و میخواهند به اسم جمهوری اسلامی به اسم اسلام، به اسم خلق، به اسم ملت کار بکنند، اینها را ببینید چه میکنند. ممکن هی بگویم اسلام، هی بگویم فدائی اسلام و فدائی خلق و هی میگویم مجاهد اسلام و مجاهد خلق و این حرفها را بزنم، لکن وقتی که اعمال من را شما ملاحظه بکنید، ببینید که از اول من مخالفت کردم در هرجا تفنگ کشیدم و مخالفت کردم...." (اطلاعات ۵ تیر ۵۹) خمینی با اینگونه جملات می‌خواست ضمن حمله به مجاهدین خلق در حقیقت آن جوی را بوجود آورد که نظرها و افکار را از سوی حزب جمهوری اسلامی به سوی مجاهدین متوجه گرداند و بنی صدر را که در این اواخر با این سازمان روابط نسبتاً خوبی برقرار ساخته بود، در منگنه بگذارد. بنی صدر آنچنان در مضیقه قرار بگیرد که در رابطه با جبههٔ اسلامی مجبور به عقب نشینی شده و در جواب به این سئوال که "... در حال حاضر انواع گرایشهای اسلامی مانند التقاطی و.... در جامعه میباشد" نظر بنی صدر چیست؟ میگوید "التقاطی خارج (جبهه) است و در مرز است و آنهاکه در داخل محدوده هستند بیایند و شرکت کنند" (انقلاب اسلامی ـ ۹ تیر ۵۹) بعبارت دیگر بنی صدر با شعار جبههٔ اسلامی که مجاهدین خلق را بعنوان التقاطی در آن جای داده بود، تجدید نظر کلی نموده و آنها را به خارج از جبهه پرتاب مینماید.

خمینی با حمله به مجاهدین خلق قادر شده بود که جوی را بوجود آورد کافکار توده های عظیم ناآگاه را که بدلیل ناآگاهیشان بیشتر جنبهٔ زرق و برق داشتن مسئلهٔ سیاسی روز را میبینند و از درك محتوی یك مسئلهٔ سیاسی عاجزند و قادر نیستند که روابط مسائل مختلف را با هم دریابند، از حزب جمهوری اسلامی دور نموده و به سوی مجاهدین خلق متوجه گرداند.

خمینی پس از درك این موضوع که جو برای حمله به بنی صدر آماده شده است، در سخنرانی دیگری در ۵ تیر ماه ۵۹ در جمع خانواده های شهدای انقلاب با تردستی خاصی طوری وانمود میسازد که گویا دلش بحال معلولین و بازماندگان شهدای قیام خلق ایران میسوزد و کس دیگری نیست که اینچنین بحال آنان دل بسوزاند. وی میگوید "ما مرهون زحمتهای شما و عزیزان شما هستیم و همه ملت ایران مرهون این جوانهائیکه با مشت گره کرده ملت را با اینجا رساندند و بازهم حاضرند. لاکن من نمی‌دانم که آیا از این قشرهائی که امروز مخالفت با نهضت میکنند، چه باید بپرسیم اینها شما را دیده اند" تا اینجا تعریف و تمجید از شهدای قیام خلق بود. یك تعریف خشك و خالی. چراکه در عرض بیش از یك سال و نیم که از عمر حاکمان جدید میگذرد هیچ قدم مثبتی برای این عزیزان انقلاب برداشته نشده است. آنها باصطلاح خود بنیاد شهید ساختند که تحت رهبری حزب جمهوری اسلامی است. در عمل اما این بنیاد جز کوشش برای تبدیل شدن به یکی از مراکز قدرت بکار دیگری نپرداخته است. این را قاعدتاً میبایستی خمینی بخوبی بداند. از این تعریف و تمجیدها که از خانوادهٔ شهداء میشود منظور دیگری هم در پیش است و آن همانا استفاده از معلولین و بازمانده های شهداء برای بده و بستانهای سیاسی میباشد. نباید فراموش کرد که تك تك وزراء با صلاحدید خمینی به وزارت منصوب گشته اند. خمینی امادربارهٔ آنها میگوید "... اینها برای چه کسی با شما مقابله و معارضه میکنند و آیا این ادارات دولتی و وزارتخانه ها و همهٔ گروههائیکه به ادارهٔ این مملکت مشغول هستند، جواب شما را چه میدهند که بازهم درعین حالیکه سفارش شده است که این کاغذبازیهای مزخرف را و این کارهای ضد انقلابی را نکنید، باز میشنویم که حتی برای شما کارشکنی می‌کنند.... اینهائیکه در رأس هستند، چطور توجه به این مسائل ندارند؟ چطور آقای رئیس جمهور در خالت در این امور نمیکند؟ چطور شورای انقلاب در این امور رسیدگی نمیکند؟ چه شده است اینها را؟" خمینی در این بیانات بخصوص در همین نطق در ارتباط با شاهنشاهی بودن ادارات می‌خواهد مسئله‌ای را که بنی صدر با پخش نوار آیت پیش کشیده و قصد محکم کردن و قدرت یابی بی چون وچرای خویش را داشت، به دست فراموشی بسپارد. درست پس از این نطقها میباشد که روزنامهٔ جمهوری اسلامی در یشتیبانی از گفتار خمینی صد ها صفحه سر میدهد که وای همه چیز از دست رفت و هیچ کاری انجام نشد. درصورتیکه توده های آگاه میدانند که قدرت اصلی و مهره های اصلی سیاست را اعضاء و هواداران همین حزب تشکیل میدهند و آنها هستند که در نابودی مملکت سهم بسزائی دارند. بنی صدر پس از نطق خمینی احساس تنهائی میکند و فوراً به نزد او میشتابد. از صحبتهای فی مابین تاکنون چیزی به خارج درز نکرده است. اما پس از این ملاقات بنی صدر گناه بعضی از اعمال کاریها را بگردن وزراء و یا بگردن بعضی از اعضاء شورای انقلاب می اندازد. دعوای بالائیها آنچنان حاد شده است که هرکسی سعی میکند تقصیر را از گردن خود برداشته و به گردهٔ دیگری

بقیه در صفحهٔ ۳

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

خمینی، ...

بیاندازد. این نشانهٔ بارز اخلاق ومنش سرمایه داری است. بنی صدر در یک گفتگوی اختصاصی باخبرنگار خبرگزاری پارس میگوید "امروز باایشان (منظور خمینی) صحبت کردم. اعضاء شورای انقلاب ووزراء خدمت ایشان بوده اند و گفته اند که مقررات دست وپاگیر است.... اینکه مقررات دست و پاگیر است صحیح است، نمیشود گفت که هیچ نیست. اما چند ماهی پیش این مسئله طرح شد و قرارشد هرکدام از وزراء که فکرمیکنند مقررات دست و پاگیر دارند، بنویسند که آن مقررات کدام است تا در قانون بودجه از میان برود و آنمقداری که آنهاگفته بودند تصویب شد و ازبین رفت اماچون آسان است تقصیررابگردن دیگران انداختن آنهاغالباًکارهای خودشان را نمیکنند و حوصلهٔ مطلع شدن ندارند و تقصیربی اطلاعی خودشان ودستگاهها یشان رامی اندازند بگردن دیگری" (همان جا) بنی صدر درهمین گفتارش خودرابی تقصیر نشان داده و وزراء وهمکاران خود را به بی اطلاعی متهم میسازد. وی در ادامهٔ مصاحبه اش در مورد وزراء میگوید "هیچکدام آنهامنتخبین من نیستند واز زمانیکه آقای مهندس بازرگان استعفاداده است اینهاوزیرشده اند و هستند وهیچوقت مسئولیت آنهارابعهده نگرفته ام ونمیگیرم خوب هست مال خودشان بد هست مال خودشان". خوانندهٔ عزیز توجه دارد که زمانیکه بنی صدر فکرمیکند که ازکانال وزراء میخواهند شخصیت او رابکوبند، منکربگردن گرفتن مسئولیت آنهامیشود و خودرافارغ از هرانتقادی میداند و میگوید خوب بودن و بد بودن آنهاپای خودشان است! غافل از آنکه شخص بنی صدراز بدو ورود به ایران در "شورای انقلاب" عضویت داشته و در انتصاب وزراء سهیم بوده است وسپس بعنوان رئیس "شورای انقلاب" سهم بیشتری رادارابوده است. حال وی بازرنگی خاصی میخواهد دامن خودراازخرابکاریهای دیگران پاک نگهدارد. امامنظوراز "خودشان" چه کسانی است؟ آنچه مسلم است این میباشد که تنهاچیزی که مطرح نیست منافع خلقهای زحمتکش ایران است. خلق باید بعقیدهٔ آقایان سرمایه داربسوزد و بسازد تاآنان باخیال آسوده باهم برسر قدرت یابی و رسیدن به منافع بیشتربجنگد و جدال بپردازند. خمینی، بنی صدر، بهشتی و.... محکوم به این هستند که در راه سرمایه داری وابسته حرکت کنند، پیچ و خمهای این سیستم رابپیمایند، با هم درییمودن این راگلنجاربروند تادرانتها یک چیز پیروز سرآورد و آن هم تأمین منافع سرمایه داران و استثمارگران است. این جبرتاریخی و سرنوشت تاریخی این آقایان است، چه بخواهند و چه نخواهند. نباید فراموش کرد که سخنرانیهای خمینی هربارباً خود اختناق بیشتری رابهمراه می آورد وپس از هرسخنرانی حمله به نیروهای انقلابی از سوی مرتجعین اوج بیشتری میگیرد. این امر خود میبایستی هشداری باشد به آن نیروهائی که هنوز دل به خمینی بستهاند.

چرا آموزش و...

مقاومت در مقابل مزدوران جمهوری اسلامی دست زده اند. حال رژیم جمهوری اسلامی به عهت تلاش دارد از رزم انقلابی این کودکان و پرورش روحیهٔ مبارزه جویانهٔ آنها توسط معلمان انقلابی جلوگیرد و به همین جهت درصدد است که درصورت بازگشائی مجدد مدارس، بجای معلمان قبلی افراد سربراه و مبلغان سیاست مرتجعانهٔ خود رابه کلاسهای درس گسیل دارد تابه کودکان کرد درس تسلیم طلبی واطاعت از مزدوران و متجاوزین بیاموزند. لذا هیئتی که از سوی وزارت آموزش و پرورش بااختیارات تام به کردستان رفته بودند ضمن انحلال آموزش و پرورش کردستان اعلام داشته اند که درصورت بازسازی آموزش و پرورش فقط از معلمان "متعهد" استفاده خواهد شد. تعهد از دیدگاه دست اندرکاران حکومتی چیست؟ آیاجزاین است که اعمال ورفتار این معلمان بایستی درخدمت رژیم و در تضاد بامنافع خلق کرد باشد؟ بی جهت نیست که اینان در رابطه بااستخدام معلمان گفته اند "سوابق قبلی آنان بحساب خواهد آمد" (اطلاعات دوشنبه ۹ تیر ۵۹) بنابراین معلمانی که دارای سوابق مبارزاتی هستند بکارگرفته نمیشوند بخصوص اینکه برای معلوم کردن این سوابق فرمهائی نیز تهیه کرده اند و از کسانی که خواهان استخدام در آموزش و پرورش هستند، خواسته اند که تا تاریخ ۲۰ تیر ۵۹ فرمهارا پرکرده وارسال دارند. بدین ترتیب رژیم میخواهد ضمن تفتیش عقاید، معلمان راباصطلاح دستچین کند و معلوم است که برگزیدگان هم کسانی هستند که درجهٔ وابستگی شان به رژیم بیشترباشد. این انحلال و بازسازی و استخدام مجدد فقط به فقط در خدمت این امر است که از ارتباط معلمان انقلابی بامحصلین جلوگیرد و نهایتاً رشد افکار آزادیخواهانه و ضد امپریالیستی راکه این معلمان در تسریع آن نقش مهمی ایفامیکنند، سد کند و در مقابل بااستفاده ازمهره های رژیم در نقش معلم، مدارس رابه سکوت وانزوا و آرامش کشانیده و دانش آموزان رابه بره های سربراه تبدیل سازد. اما زهی خیال باطل.

محاکمه تقی شهرام...

"انقلاب" اسلامی اعلام نمود. رژیم بدلایل واهی تقی شهرام رادستگیرساخت و بزندان انداخت و اکنون میخواهد باتشکیل دادگاهی فرمایشی به اعمال ضد انقلابی خود جنبهٔ "قانونی" ببخشد. رژیم باید بداند که تقی شهرام هارامیتواند به بندکشیده و به اعدام محکوم کند، اما قادرنیست که جنبش ضد امپریالیستی و کمونیستی میهن مارا به بندبکشد. رژیم برای آنکه توده ها شاهد رسوائی وی نگردند حتی حاضرنشده است که شهرام راعلنی محاکمه کند و عدهٔ سرخرمن میدهد که بعداً تلویزیون پخش خواهد شد. ماازهم اکنون محاکمهٔ ساختگی تقی شهرام ایرانقلابی ضد امپریالیست و کمونیست رامحکوم نموده و دادگاه فرمایشی را فاقد هرگونه صلاحیت میدانیم.

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهٔ کارگر
www.peykar.org

نریمی سا...

برچیدن حکومت منفور پهلوی همیشه کوشا بود. سازمان امنیت شاه بالاخره او را دستگیر نموده و تحت شکنجه میگیرد تا اینکه در اثر مبارزات توده ها بهنگام قیام بهمن ماه از زندان آزاد میگردد و برای کمک به مردم زحمتکش سوسنگرد به آنشهر باز میگردد. پس از قیام وی مشاهده میکند که همان عامل ساواک که وی را قبلاً دستگیر ساخته بود در کمیته شهرمشغول "خدمت" است. نریمی سا باکوششهای فراوان شرایطی را فراهم میکند که این ساواکی از کمیته اخراج میگردد. اما پس از مدتی براثر نفوذ برادر این ساواکی که از روحانیون اهواز است، دکتر نریمی سا در محل کار خود در بیمارستان گلستان دستگیر شده و بالاخره این پزشک مبارز از سوی دادگاه "انقلاب" اسلامی اهواز بدلایل واهی به اعدام محکوم میگردد و حکم اعدام هم فوری به اجراء درمی آید. بدنبال این اعدام ناجوانمردانه اعتصاب پزشکان و دستیاران بیمارستانهای سعدی و حافظ در شیراز و بیمارستانهای اهواز و تهران بوقوع پیوست. ما ضمن محکوم کردن اعمال فاشیستی دادگاههای رژیم جمهوری اسلامی در رابطه با اعدام مبارزین این اعتصابات را بحق دانسته و از آنها پشتیبانی مینمائیم

طباطبائی...

این سفر به بررسی این قرارداد هامی‌پردازم" (انقلاب اسلامی ۱۲ تیر ۵۹). فکرمیکنید که این قراردادها بنفع زحمتکشان وطن ماست؟ خیر. زیرا که امپریالیسم آلمان نیز چون همهٔ امپریالیستها سود بیشتر میطلبد و آنرا از نیروی کارارزان کارگران وزحمتکشان و مواد خام ذخایروطن ماتأمین خواهد کرد. آیا رژیم جمهوری اسلامی اینچنین میخواهد علیه امپریالیسم بجنگد؟ اگراین جنگیدن علیه امپریالیسم است که رژیم شاه خیلی بهتر ازاین آقایان تازه بدوران رسیده ضد امپریالیست بود.

کارمندان مبارز مخابرات همچنان در بندند

مدتی است که تعدادی از کارمندان شرکت مخابرات، توسط دادستانی "انقلاب" دستگیر شده و ممنوع الملاقات میباشند. خانواده های این کارمندان که به نامهای اشتری، مدنی نژاد، کیائی جم، جمشیدی سرابی و پریچهرمیباشند، دست به اعتراض به این عمل غیر قانونی زده اند.

کارمندان دستگیر شده که بودند و چه میخواستند و چرا به بند کشیده شدند؟

اینان نمایندگان منتخب کارمندان شرکت مخابرات بوده اند که سالیان سال برعلیه رژیم منفور پهلوی جنگیده و دارای سوابق مبارزاتی ضد امپریالیستی میباشند. دولت جمهوری اسلامی این مبارزین را به جرم داشتن افکار ضد امپریالیستی و خواست پاکسازی محیط از ساواکیها و دزدها و لغو قرارداد با امپریالیستهای گوناگون زندانی و ممنوع الملاقات کرده است. این است ماهیت ضد امپریالیستی!! رژیم حاکم

"انقلاب اداری"، وسیله‌ای برای تصفیه حساب حزب جمهوری اسلامی با دیگران

دست اندرکاران حکومت جمهوری اسلامی که بیش از یکسال و نیم در مقابل خواست بحق توده ها مبنی برپاکسازی و تصفیهٔ ادارات و ازبین بردن آثار و ظواهر رژیم شاهنشاهی مقاومت کرده و حتی گاهاً مسلحانه ایستادند و در مقابل، همهٔ نهادهای ضد خلقی رژیم شاه را یکی پس از دیگری بازسازی کردند، اینک که خود را در برابر نارضایتی توده ها میبینند فریاد انقلاب اداری برآورده اند. در این میان نیز از معتقدات مذهبی توده ها برای تصفیه حسابهای درونی بهره میجویند. بهمین جهت در روز جمعه ۱۳ تیرماه ۵۹ از سوی آیت الله منتظری اعلام راهپیمائی میگردد. در واقع برپاکنندهٔ این راهپیمائی حزب جمهوری اسلامی بود که ضمن توجه به قطعنامه ای که در پایان صادر شد اهداف برگزاری آن روشن میگردد:

۱ــ طبق سیاست و برنامهٔ حزب جمهوری اسلامی و سخنان فاش شدهٔ آیت، میبایستی آیت الله منتظری بزرگ جلوه داده میشد و در اذهان توده ها جامی افتاد.

۲ــ هدف این راهپیمائی نه پشتیبانی از انقلاب اداری بلکه تحریک توده ها برعلیه سازمان مجاهدین خلق ایران و آماده کردن اذهان توده ها برای حملهٔ گسترده و همه جانبه تری به این مبارزین بود.

۳ــ زمینه چینی برای سرکوب بیشتر نیروهای کمونیستی و ایجاد جو اختناق و خفقان.

۴ــ دربند و قطعنامه کوشش شد با اصطلاح برحذر داشتن مجلس از انتخاب کسانی برای نخست وزیری که "باردیگر انقلاب اسلامی مارا دچار رکود می کنند"، باجناح بنی صدر تصفیه حساب کرده و مردم را به پشتیبانی از اینکه نخست وزیر باید از طریق این حزب که اکثریت وکلای مجلس را تشکیل میدهند، انتخاب شود برانگیزاند.

توضیح

به اطلاع خوانندگان گرامی میرسانیم که از این شماره (۴۴) پیکار خلق بصورت هفتگی منتشر خواهد شد. محتوای نشریه را مسائل تئوریک و مبارزات ایدئولوژیک تشکیل نخواهد داد، بلکه بیشتر جنبهٔ خبری با تحلیلهای مختصر خواهد داشت. مسائل ایدئولوژیک و تئوریک را در جزوهٔ تئوریک ــ سیاسی که هر ۲۰ روز یکبار منتشر خواهد شد، به چاپ خواهیم رسانید.

بزودی منتشر میشود
لنینیسم
کتاب درسی مدرسهٔ حزبی

ارشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهٔ کارگر
www.peykar.org